

# آفات سیاست‌ورزی در ایران

## احمد زیدآبادی

بشر در عصر ملت - دولت زندگی می‌کند. معنی واضح این عبارت این است که منافع يك سرزمین با مرزهای مشخص جغرافیایی، همچنان مهم‌ترین مولفه برای هر نوع سیاست‌ورزی در دنیای کنونی است. در واقع باورمندی یا بی‌باوری به ملت - دولت به عنوان شاخص‌ترین عنصر هویت‌بخش ملی در عصر کنونی، صف انواع سیاست‌ورزان را از یکدیگر سوا می‌کند. در تفکر سنتی دوران پیش از شکل‌گیری دولت - ملت، «مرز» نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت اجتماعات بشری نداشته است زیرا در آن عصر مرزها امری سیال و ناپایدار بوده‌اند و سرزمین‌ها در هر دوره، به قلمرو یکی از امپراتوری‌ها یا سلطه رهبران قبایل کم یا اضافه می‌شدند. در آن عصر، اعتقاد به يك دین یا آیین، مهم‌ترین عنصر مقوم همبستگی و انسجام اجتماعات بشری بوده است. متأسفانه بسیاری از مدعیان دینداری در عصر جدید، هنوز با همان عینک دوران پیش از شکل‌گیری ملت - دولت‌ها به موضوع سرزمین می‌نگرند و مرز و جغرافیا در نظرشان امری مزاحم است. بنابراین آنها اساساً به مفهوم ملت به عنوان جمعیتی دارای حق برابر در چارچوب يك کشور، اعتقادی ندارند و به تشکیل امتی با عقاید واحد مذهبی در و رای مرزهای سیاسی امروز جهان می‌اندیشند. نوع سیاست‌ورزی این دسته از دینداران، بدون تردید یکی از مهم‌ترین مشکلات امروز جامعه ایران است و مانع از همبستگی ملی ایرانیان و حقوق برابر آنها و ایجاد تفرقه در صفوفشان می‌شود. بی‌باوری به مرز اما فقط مربوط به این جماعت نیست. در دنیای جدید، ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی ظهور کرده است که خود را «فرامرزی» یا به عبارتی «اینترناسیونال» می‌دانند.

آنها نیز مرزها را مزاحم کار خود می‌بینند، چرا که هدفشان اتحاد اعضای يك طبقه یا گرایش فکری در سراسر جهان است. اینان به همان اندازه که در پی اتحاد بین‌المللی بین يك طبقه یا گروه همفکر هستند، در همان حال بر هویت‌های قومی و محلی درون مرزهای ملی به اندازه‌ای تأکید و افراط می‌کنند که جا برای حیات و بقای ملت - دولت‌ها تنگ می‌شود و منازعات داخلی پرهزینه و خونین و بی‌حاصلی را به دنبال می‌آورد. در نتیجه حضور این دو نیرو در جامعه سیاسی ایران، کار سیاست‌ورزی بی‌نهایت مشکل و گیج‌کننده و فاقد جهت‌مندی

درست شده است زیرا باورمندان به سرزمین ملی نیز قادر به تعیین مرزهای خود با این دو جریان نیستند و اغلب در جهت اهداف آنها حرکت می‌کنند. واقعیت این است که یک سرزمین ملی در خلأ زیست نمی‌کند. ملت - دولت‌ها در ظرفی منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند و تشخیص موقعیت و منافع آنان بدون شناخت آن دو ظرف همواره متغیر، امکان‌پذیر نیست. بزرگ‌ترین آفت سیاست‌ورزی باورمندان به مرزهای ملی، بی‌توجهی یا بی‌اطلاعی آنها از محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است. آنان یا این محیط را به کلی نادیده می‌گیرند و صرفاً بر منازعات داخلی تکیه می‌کنند یا اینکه از محیط پیرامون شناخت قابل ملاحظه‌ای ندارند یا اینکه شناختشان مبتنی بر پاره‌ای فرض‌های ترس‌آور توطئه‌آمیزی است که ذهن را فلج می‌کند و مایه گمراهی می‌شود. از همین رو، این نوع سیاست‌ورزان معمولاً از الگوی کلیشه‌ای و واحدی در خط مشی خود در برابر دولت‌ها پیروی می‌کنند و چیزی به اسم تغییر و انعطاف و تطبیق با تحولات پیرامونی که عمده‌ترین مولفه سیاست‌ورزی در ملت - دولت‌های بلوغ‌یافته‌تر است، نه فقط نزد آنان ارزشی ندارد بلکه تحت عناوین نادرست، آن را محکوم و منکوب می‌کنند. بدبختانه مشکلات شناختی ما ایرانیان از ابعاد مختلف سیاست‌ورزی به حد و اندازه‌ای است که گویی از خیر حل و رفع آنان گذشته‌ایم و حتی عمل سیاسی موثر و مفید را نادیده گرفتن و تحقیر این نوع مشکلات می‌پنداریم.